پیکارپامیر
۲۰۱۵/۱۲/۱۷

وقایع افغانستان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱٤ میلادی

(بخش ۲٤)

ادامهٔ ترور ها، اختطافها و مداخلات پاکستان
تماس سه جانبه و تداوم خونریزیها درافغانستان

طرح جرگهٔ امن منطقه یی:

به سلسلهٔ تماسها، نشستها ومسافرت های حامد کرزی با همتا های امریکایی و پاکستانی اش، وی درماه اکتوبرسال ۲۰۰٦م سفری داشت به واشنگتن. البته طی این سفر، چنان ترتیب اتخاذ شده بود که بایدکرزی با حضورداشتِ جورش دبلیو بوش رییس جمهورایالات متحدهٔ امریکا، با پرویز مشرف رییس جمهور پاکستان درکاخ سفید به گفت و گو بنشیند. "جورج دبلیو بوش" طی خاطراتِ خویش دراین باره چنین میگوید **... " : پاییز۲۰۰٦ که شد، دو نفر{ کرزی و مشرف} اصلاً با هم حرف هم نمیزدند. تصمیم گرفتم پا پیش بگذارم و کمی دیپلوماسی شخصی جدی به کار ببرم. کرزی ومشرف را به شام در کاخِ سفید در سپتامبر ۲۰۰٦ دعوت کردم. دربا غ ُرز که بهشان خوش آمد گفتم حاضر نشدند باهم دست بدهند یا حتی به یکدیگر نگاه کنند. در اتاقِ غذا خوری قدیمی خانواده که پشت ِمیز نشستیم تا شام بخوریم؛ روحیه ها بهتر نشده بود. دک چنی، کاندی رایس، استیوهدلی و من نظاره گربودیم که کرزی و مشرف به یکدیگر می پریدند. جایی رسید که کرزی مشرف را متهم کرد به طالبان پناه میدهد..." (٥٧)**

ضمن همین نشست و گفت وشنید بود که حامد کرزی، طرحِ تدویرِ " جرگهٔ امن منطقه یی " اش را البته به اشارهٔ جورج دبلیو بوش ارائه نمود. باساس این طرح، سرانِ قبایلِ دوسوی خطِ " دیورند " باید با همکاری و همیاری دولتهای افغانستان و پاکستان کنفرانس مشترکی را دایر نموده و پیرامونِ چگونه گی برون رفت از مخاصمت های مسلحانهٔ گروه طالبان علیه افغانستان به بحث بپردازند. هرچند پرویزمشرف، طرحِ مذکور را درحضورررییس جمهور امریکا پذیرفت و اما، بعداً با این بهانه که " جرگهٔ امن، عنعنهٔ صرفاً پشتونی است و ملتِ پاکستان با آن آشنا نمیباشد" ، در قبالِ این طرح با بی اعتنایی برخورد نمود. مضمون و مؤثریتِ جرگهٔ امن هرچه بود، پس از چند ماه بحث و بگومگو میان جانبین، بالاخره درهجدهمِ ماه اسد سال ۱۳۸٦ خورشیدی، به تعداد هفتصد نماینده از جانبِ هردو کشوردرشهرکابل گِردِ هم آمدند که آفتاب احمد شیرپاو وزیر امور داخلهٔ پاکستان در رأس هیأت آن کشورقرار داشت و ازسوی افغانستان، داکترعبدالله عبدالله وزیرامورخارجهٔ حکومت مؤقت، مسوولیتِ هیأتِ جانب افغانی را بعهده داشت. پاکستانیها، افراد و شخصیت هایی را ازسایر ایالاتِ پاکستان مانند سند و پنجاب و نیزاسلام آباد و غیره مناطقِ آن کشور در ترکیبِ هیأت گنجانیده بودند که این خود، مغایرِاصلِ طرح "جرگهٔ امن..." تلقی گردید. تدویرِ این جرگه، عمدتاً از دو نقطهٔ نظرمورد پذیرشِ همه جانبهٔ جانب پاکستان نبود: نخست اینکه اگرنشست، مذاکره و فیصله های این جرگهٔ بزرگ مبنی برقطع جنگ و یا سرکوبِ گروه های شورشی و تروریستی در دو سوی مرزبه اجرا درمی آمد، دیگر دست منسوبین سازمان استخبارات نظامی و جنرالان ارتش آن کشور ازقضیه قطع میشد واوضاع و حالات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی افغانستان به سوی عادی شدن میرفت و دوم آنکه چون موضوعِ خطِ" دیورند" در آجندای بحثِ جرگهٔ امن گنجانیده نشده بود، جانب پاکستان این اقدام و تحرک را به نفع خویش نمیدانست.این نکته را نیز باید درهمینجا متذکر شد که حکومتِ پاکستان، درهمین شب و روز، پیشنهاد دیگری را بجای تدویرجرگه و تداوم ِنشست های آن، منتشرنمود و آن این بود

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

که **: 1- " حامد کرزی باید درقدمِ اول پایه های حکومتش را در سراسرِ افغانستان مستحکم سازد .(** که در واقع، یکنوع کنایهٔ دیپلوماتیک بود مبنی براینکه کرزی تا هنوز نتوانسته برهمه جای افغانستان حکومت کند. مؤلف)

2- باملامحمد عمر مذاکره صورت گیرد و اگر مذاکره با وی ممکن نباشد، باید با گلبدین امیر حزب اسلامی چنین مذاکراتی انجام داده شود. (چون هردو گروه تحت فرمان و نظارت دقیق شبکه ی آی.اس.آی قرار دارند. مؤلف**)**

3- هشت کشور(ایران، پاکستان، چین، ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، روسیه و امریکا) باید درمذاکراتِ صلح سهیم ساخته شوند.

4-حامد کرزی از ادامهٔ جنگِ لفظی و تبلیغات علیه جانب پاکستان بپرهیزد.

همچنان، جنرال پرویزمشرف رییس جمهورپاکستان، عینِ نسخه یی را برای حامد کرزی تجویز نمود که باساس آن، نظامیانِ آن کشور، پس از انجام مذاکره با طالبانِ مسلحِ آنسوی خط " دیورند" به رهبری " بیت الله محسود"، درپای یک توافقنامه امضا گذاشته بودند که اسمِ آنرا پسانها " توافقنامهٔ آتش بس" گذاشتند.

آگاهانِ سیاسی درقبالِ "جرگهٔ امن منطقه یی" ازقبل خوشبین نبودند. آنان اظهارمیداشتند که چنین جرگه ها و نشست ها، تا زمانیکه دراستراتژی نظامیانِ پاکستان پیرامونِ افغانستان تغییر نیاید، هرگزمؤثریتی نخواهد داشت. چنانکه چنین هم شد. یعنی نه تنها تدویرِ پُرسروصدا و پُرخرجِ جرگهٔ مذکور هیچ مفیدیتی درقبال نداشت، بلکه گرمی و اندیشهٔ استمرارِآن نیز آهسته آهسته زایل گردید.

روزنامهٔ " هشت صبح " منتشرهٔ کابل، مطلبی را که به قلم " کالوتاگال" در روزنامهٔ " نیویارک تایمز" اشاعه یافته بود، بچاپ رسا نید که اینک، گوشه هایی ازمطلبِ موردِ نظر را در اینجا درج میکنیم : **" ارتشِ پاکستان به عنوانِ بخشی از استراتژی سه دهه ای استفاده از مزدورانِ خود علیه کشورهای همسایه و نیرو های امریکایی در افغانستان، به تربیتِ طیف وسیعی از گروه های جنگجو ادامه میدهد . . . "**

نویسندهٔ " نیویارک تایمز"، ازقولِ یکی ازفرماندهانِ سابقه دارِ گروه تروریستی طالبان نگاشت که " **: گروه های جنگجو مانند لشکر طیبه، حرکت المجاهدین و حزب المجاهدین توسط رهبران مذهبی اداره میشوند و ارتشِ پاکستان برای آنها آموزش، پلانهای استراتژیک و چترِ حفاظتی فراهم میسازد و این سیستم هنوز کار میکند. . . میجر جنرال ظاهر الاسلام عباسی افسرِ سابقِ سازمانِ استخبارات که محکوم به راه اندازی کودتا علیه حکومتِ بی نظیر بوتو در سال 1995 م شد وحالا فوت کرده است، یکی از فعال ترین حامیانِ گروه های جنگجو در سالهای پس از یازدهٔ سپتامبر بوده است . . . پس از سقوطِ رژیمِ طالبان، در حدود 60 نفر در نشستِ طالبان در اواخرِ 2001 حضور داشتند، در این نشست، رهبرانِ جنگجویانِ پاکستانی، عبدالسلام ضعیف سفیرسابق طالبان در اسلام آباد و محمد حقانی از شبکهٔ حقانی حاضر بودند، چندین تن از مقام های باز نشستهٔ آی. آس. آی از جمله، مردی معروف به دگروال امام یک مربی و آموزگارِ شناخته شدهٔ جنگجویان و جنرال عباسی دراین نشست حضورداشتند... گروه های جنگجو، افغانستان را به چندین منطقهٔ جداگانهٔ عملیاتی تقسیم کردند و روی این موضوع بحث کردند که چگونه بساطِ نیرو های امریکا را از این کشور برچینند. .. ارتشِ پاکستان به استفاده از مزدوران عادت کرده است . " (58)**

این فرمانده سابقه دارِ گروه طالبان همچنان افزود که **" : پاکستان دوازده تا چهارده هزار جنگجوی کشمیری کاملاً آموزش دیده دارد که در کمپ های مختلف در سراسر پاکستان پخش شده اند**

و این کشور، آنها را بعنوان نیروی ذخیره حفظ میکند تا در صورتِ نیاز، در جنگ علیه هند استفاده کند. . . او {فرمانده سابقه دار طالبان} برای جنگیدن و آموزش دادنِ دیگران، به کشمیر، بوسنیا، چچن و افغانستان اعزام شد؛ برای سالها او با گروه های مختلفِ جنگجو کار کرد . . . تمامی این پروژه، از سوی ارتشِ پاکستان حمایت شد و توسط گروه های جنگجوی پاکستانی به اجرا گذاشته شد، او از سوی شاخه ای ازآی .اس. آی که حالا بخشی از ارتش میباشد، حقوق میگرفت... جنگجویان ماهانه حدود پنجاه دالر و فرماندهان حدود پنجصد دالر دریافت میکردند ".. (59)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

تروریست پروری ومداخله های خونین مقام های پاکستانی علیه افغانستان تا آنجا ادامه یافت که مثلاً، یکی از مفتی های پاکستانی بنام " مولوی فضل الرحمن" که هم رهبر " جمعیت علمای اسلام پاکستان " است و هم درسالهای زعامتِ بینظیربوتو، بمثابهٔ رییس کمیتهٔ روابط خارجی پارلمان آن کشورکارمیکرد، هم عضوِ فعالِ سازمانِ استخباراتِ نظامی پاکستان و حامی جدی و آشکارِگروه های تروریستی طالبان میباشد، دریک مناظرهٔ تلویزیونی (شبکهٔ پرایم) بگونهٔ بسیار بیشرمانه یی اظهار داشت " : **افغانستان یک کشور بی آیین و فاقدِ ارزشهای انسانی است . . . افغانستان در طولِ تاریخ ، کشوری بوده که در آنجا عشق و علاقه نسبت به جنگ وخونریزی بیشتر از هرچیز دیگر در وجودِ ساکنانِ آن موج میزده است . . . مردم افغانستان همیشه آرزوی این را داشته اند که دشمن خارجی به کشور شان حمله بَرَد تا به آنها ثابت کنند که این کشور بیشهٔ شیران است، اگر دشمنِ متجاوز و اشغالگر پیدا نشده ، آنگاه مردمِ این کشور با خود جنگیده اند و میتوان گفت که جنگِ داخلی و خونریزی در افغانستان چیز جدیدی نیست، بلکه یک پدیدهٔ معمولی بوده و رسیدن به قدرت تنها و تنها از طریق اعمالِ زور و حذفِ کاملِ رقبای سیاسی ممکن بوده است . " (60)**

این اظهاراتِ خصمانه و بیشرمانهٔ مفتی پاکستانی که باشنده های سرزمینِ افغانستان را آشکارا توهین نمود، درعینِ حال، تلاش داشت تروریست پروریها، خونریزی ها، ترویجِ تعصباتِ مذهبی، تجاوز ها و مداخله های ضدِ مردمِ افغانستان را که از سالها بدین سو ادامه داده اند، توجیه نماید. یا بعبارهٔ دیگر، این ملای سیه اندیشِ پاکستانی میخواهد باچنین اظهاراتِ کاذبانه، برای مردمِ جهان چنین وانمود کند که اینهمه جنگها و کشتار ها و ویرانگریهای بی سابقه، زادهٔ خوی و خصلتِ زشتِ خودِ افغانهانست و پاکستان درآن هیچ نقش و دخالتی نداشته و ندارد .

باساس همین دخالتها و حمایت های مقام های نظامی پاکستان بود که همه روزه حوادث و رویداد های خونین تروریستی درافغانستان و قسماً پاکستان بوقوع می پیوست و جانِ ده ها و صدها انسان را میگرفت. مثلاً، تنها درماه اکتوبرسال 2013 میلادی، علاوه از سایر رویداد های دلخراش، دو حملهٔ تروریستی یا انتحاری در ولایت لوگرافغانستان و ایالتِ پشاورِ پاکستان ُرخ داد. روزِ اولِ عیدِ اضحی، مادامکه " ارسلارحمانی" والی ولایتِ لوگر، میخواست پس ازادای نمازِعید در مسجد جامع شهرپُل ِعَلَمَ سخنرانی کند، همینکه عقبِ میکرفون قرارگرفت، مواد انفجاری که درلای قرآن و در نزدیکِ میزِ خطابه جاسازی شده بود، منفجرشد و والی لوگر را بکامِ مرگ سپرد، درعینِ حالیکه بیشتراز پانزده تن نمازگزارِدیگر را شدیداً زخمی نمود. باید متذکر شد که گروه طالبان درسال 2013 میلادی، ازارتکابِ اعمالِ انتحاری و انفجاری حتا درمیانِ مساجد و عبادتگاه های مسلمانان نیزابا نورزیدند. اینک، منحیث نمونه، سلسلهٔ عملیاتِ انتحاری وانفجاری گروهِ متذکره دربرخی ازمساجدِ افغانستان را که به وقفه ها انجام داده و درهرمرتبه، تعدادی از انسان های بیگناه را به قتل رسا نیده اند، در اینجا درج میکنیم :

***انفجار انتحاری درمسجد " بُست " مربوط به شهر لشکرگاه ولایت هلمند درسال 1386 خورشیدی**
***انفجار در مسجد جامع شهر تالقان مرکز ولایت تخار در ماه میزان سال 1389 خورشیدی**
***انفجاردرمسجد "کاریزخیرو" واقع درشهرترینکوت مرکز ولایت ارزگان درماه اسد سال 1391خورشیدی**
*** انفجار انتحاری درمسجد جامع شهر میمنه مرکز ولایت فاریاب در ماه عقرب سال 1391 خورشیدی**
***انفجار در مسجد درشهر جلال آباد واقع در نزدیکی های کنسولگری هندوستان در ماه اسد 1392خورشیدی**
***حملهٔ مسلحانه بالای مسجد امام حسن مجتبی در غرب شهر کابل در ماه سنبله 1392 خورشیدی**
***انفجار انتحاری در مسجد شهر قندهار بتاریخ نهم حوت سال 1389 خورشیدی**
***انفجارانتحاری درمیان برگزارکننده گان روز عاشورا در ابوفضل کابل**

درعین ماه وسال، انفجارِانتحاری دیگری درایالتِ پشاورِ پاکستان رُخ داد که دراثرآن، اسرارالله کنداپور وزیرِ قانونِ آن ایالت به قتل رسید و بیشتر از بیست تنِ دیگرزخمی شدند. البته انفجارِمذکور ازسلسله عملیاتِ خونینی بود که وقتاً فوقت توسط گروه طالبان پاکستانی درشهر های مختلفِ آن کشورانجام داده میشد .

درهمین شب و روز(یازدهم ماه اکتوبر2013م (سخنگوی وزارت امورخارجهٔ امریکا به رسانه ها گفت که نیرو های امریکایی موفق شده اند " لطیف الله محسود" یکی از رهبرانِ تروریستها و فرمانده ارشدِ طالبان پاکستانی را

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

دستگیرنمایند. درعینِ حال، یک منبع افغانی اظهار داشت که " بازداشت آقای محسود حینِ راننده گی درولایتِ لوگردرشرقِ کابل صورت گرفته است. اما روزنامهٔ " واشنگتن پُست " نوشت که " آقای محسود به وسیلهٔ نیرو های امنیتی افغانستان دستگیر شده وسپس نیرو های نظامی امریکا او را به پایگاه بگرام منتقل کرده اند) ".بایستی متذکر شد که نیرو های امریکایی درماه دسامبر 2014م، باساس یک معاملهٔ مخفی سیاسی، لطیف الله محسود را از زندان بگرام بیرون کشیده به مقام های استخباراتی پاکستان تحویل دادند (.

همسایه های مغرض افغانستان درسالهای پس ازسقوطِ گروه طالبان، اگرازیکطرف ازتهدیدِ تروریسم و بی ثباتی منطقه وجهان سخن گفتند، ازجانبِ دیگر، با همان گروه های تروریستی، باساس مقاصدِ پنهانِ سیاسی شان از درِ همکاری پیش آمدند که درصفحاتِ آینده ازآن ها سخن خواهیم گفت. یکی دیگر از تهدید ها و تفتین های حکومت پاکستان علیه افغانستان پس ازسال 2001 میلادی این بود که گروه طالبانِ " افغانی" را با " طالبانِ پاکستانی" در مناطقِ قبایلی پیوند زد تا با سؤاستفاده از نیروی مسلح قبایل و بهره برداری ازهنگامهٔ "خیزش طالبان درمناطق قبایلی " وبه بهانهٔ " مقابله با تروریسمِ منطقه" درپناهِ ایدئولوژی مذهبی نوع طالبانی، به هدف های زیرین نایل آید :

-1بالشکرکشَی های نمایشی بسوی قبایلِ آزاد وشلیکِ توپ به سینهٔ کوه های خالی از سکنه، بتوانند با نشان دادنِ " اتوریتهٔ نظامی" خویش، هم موانع سیاسی، محلی و تاریخی در راه برقراری حاکمیتِ مطلق حکومت مرکزی را از میان بردارند و هم توجه، اعتماد و کمُکهای سرشارِ امریکا را بدست آورند، یعنی آنچه را که از سالها بدینسو میخواستند و بدان نمیرسیدند، بدست آورند. اسنادِ منتشرشده در این مورد، بیانگرآن بودند که واشنگتن، مخارجِ چنین لشکر کشَی های حکومتِ پاکستان به نواحی قبایل را ماهیانه مبلغ هشتاد ملیون دالرمی پرداخت) .این را میگویند صید کردنِ دو فاخته با یک شلیک. مؤلف

-2سرکوبِ غرورِملی ونظامی قبایلیانِ آنسوی خطِ " دیورند"، جابجایی لانه های استخباراتی قوی و استخدامِ عناصرِخود فروخته در میانِ آنان بخاطرِمحو زمینه های فکری – سیاسی نشنلیزم پشتون و هرنوع مخالفت باخطِ تحمیلی "دیورند ."

-3ایجادِ پناهگاه ها ی امن برای طالبان و حفاظتِ آنها از حملاتِ نیرو های خارجی درافغانستان. مانند پایگاه های امنِ شبکهٔ تروریستی سراج الدین حقانی فرزند ملا جلال الدین حقانی در وزیرستان شمالی.

-4تداوم بخشیدن به نا آرامی ها ی اجتماعی، آشفته گیهای اقتصادی، تضعیفِ هویتِ ملی و فرهنگی مردم افغانستان وجلو گیری از اعمارِ مجددِ کشور بوسیلهٔ براه اندازی جنگها و انفجارها و خونریز ی های تروریستی دوامدار .

- 5 اخاذی و باجگیری دراز مدت از ابرقدرت امریکا و متحدانِ غربی آن بنام " مبارزه با تروریسم "

-6 دراختیار داشتنِ نیروی تروریستی ایدئولوژیک (وهابیسم) ، (سلفیسم) و (دیوبندیسم) که بتواند آنان را در هر موقع علیه " هندو ها " در مرز های کشمیرعلیه هندوستان بجنگاند .

-7بالاخره، تعویضِ احساساتِ نیشنلیستی اقوام و قبایلِ دو سوی خطِ" دیورند" به افکار و اندیشه های بنیادگرایانهٔ مذهبی و ترویجِ واژه ی " امت" بجای " ملت " .

"نیویارک تایمز" دریک تحلیل و بررسی خاصِ خویش چنین نوشت **... " :نظامیانِ حاکم و دولتِ غیر نظامی کنونی پاکستان، بازی دو گانه ای را در پیش گرفته اند. آنها با زنده نگه داشتنِ گروه طالبان، کاری میکنند که پولهای سرشار و کمُک های تسلیحاتی غرب به پاکستان همچنان ادامه داشته باشد و از سوی دیگر، هر از گاهی، حملاتی به مناطقِ قبایلی انجام میدهند تا آمریکا را خشنود کنند. " (61)**

"حاجی نامدار" یکی از رهبرانِ قبیله یی دروزیرستانِ جنوبی دربرابرِسؤال خبرنگاربی بی سی چنین گفت " : **سربازانِ دولتی می آیند، به سوی چند خانه ی خالی تیر اندازی میکنند و می روند. این حملات، فقط یک بازی برای سر گرم کردنِ امریکاست ".**

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

گزارشگرِ" نیویارک تایمز" درجریانِ سال 2008، شخصاً به قلبِ مناطقِ قبایلی پاکستان سفرکرد و چشمدید هایش را چنین بیان نمود " : **سفرش به مناطق قبایلی، همزمان با عملیاتِ " گسترده" ای بود که دولتِ پاکستان ادعا میکرد علیه شورشیانِ طالبان در وزیرستانِ جنوبی براه انداخته است. چیزی که مرا تکان داد، این بود که درداخلِ مناطقِ قبایلی { علی رغم ادعا های دولت}، هیچ نشانه ای از عملیاتِ نظامی ارتشِ پاکستان نبود، نه سربازِ پاکستانی دیده میشد و نه تانکِ دولتی . . . " (62)**

و دراخیر، روزنامهٔ " نیویارک تایمز" ازقول یک مقامِ سابقِ پاکستان نوشت که **" : ما طالبان را برای روز مبادا حفظ میکنیم "**

"گروپ کلید" نشریهٔ انترنتی افغانها بتاریخ دهم ماه قوس سال 1392 خورشیدی، (هشتم ماه دسامبر2013م) از قولِ منابع امنیتی ولایتِ سرِ پُل درشمال افغانستان نوشت که**... " : نظر به معلوماتِ استخباراتی و کشفی نیرو های امنیتی افغان، شماری از مشاورانِ سازمانِ استخباراتی پاکستان برای همکاری با مخالفانِ مسلحِ دولت {طالبان } که دراین ولایت فعالیت دارند، از پاکستان به اینجا آمده و آنها را در طرح ریزی عملیاتِ دهشت افگنی علیه نیرو های امنیتی افغان آموزش میدهند... پس ازاطلاع از حضورِ مشاورانِ پاکستانی در منطقهٔ " کچن " ولسوالی کوهستانات، نیرو های امنیتی، عملیاتِ تصفیه یی را در این منطقه راه اندازی کردند که درنتیجهٔ درگیری های شدید میان مخالفانِ مسلحِ دولت و نیرو های امنیتی ، منطقهٔ " کچنِ" ولسوالی کوهستانات از کنترولِ مخالفان مسلح دولت باز پس گرفته شد و شورشیانِ مسلح همراه با مشاورانِ پاکستانی از منطقه فرار کردند) "**...اصطلاح " شورشیان مسلح " بجای گروه های تروریستی، پس از سالهای 2005 میلادی ازسوی امریکا، پاکستان و دولت حامد کرزی به خوردِ رسانه ها داده شد. مؤلف)

(ادامه دارد)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ